**مأخذ ابیات عربی مرزبان نامه**

**مهدوی دامغانی، احمد**

الصّعو یصفر آمنا فی سربه‏ حبس الهزار لاّنه یترنم(ص 58)

اقوال مختلف راجع بقائل این ابیات در«یادداشتهائی درباره ابیات عربی کلیلهء بهرامشاهی»سابقا نقل شد رجوع فرمایند بمجلهء یغما شماره دهم سال پانزدهم ص 444.

\*\*\*

أخاک‏أخاک ان من لا اخاله‏ کساع الی الهیجا بغیر سلاح(59)

1-بیشتر ارباب ادب و اصحاب تراجم این بیت را به(ربیعة بن عامر دارمی‏ ملقب به«مسکین»)نسبت داده‏اند که از جملهء آنان«ابی الفرج»(در اغانی 18 ص‏ 69)و«بغدادی»در(خزانة ج 3 ص 62 چاپ سلفیه)و«یاقوت»در(معجم الادبا ج 11 ص 133)را میتوان نام برد.

ابی الفرج گوید(...لما قدم مسکین الدارمی علی معاویة سأله أن یفرض له‏ (یعنی شهریه و مستمری برای او تخصیص دهد)فأبی علیه....فخرج من عنده‏ مسکین و هو بقول:

أخاک‏أخاک ان من لا أخاله‏ کساع الی الهیجا بغیر سلاح‏ و اّن ابن عمّ المرء فاعلم جناحه‏ و هل ینهض البازی بغیر جناح‏ و ما طالب الحاجات الا مغرر و ما نال شیئا طالب کجناح

و سپس دنبالهء داستان و توجهء مجدّد معاویه را بمسکین نقل میکند.

2-«بحتری»(حماسه ص 245)این بیت و بیت ما بعد آنرا به(قیس بن عاصم‏ منقری)صحابی جلیل القدر و حلیم و جواد مشهور عرب نسبت داده است.

3-«اعلم شنتمری»در(شرح شواهد الکتاب سیبویه ج 1 ص 129 حاشیهء خزانه)این بیت را به نام«ابراهیم بن هرمه»ثبت کرده است.راقم بیمقدار این‏ سطور احتمال میدهد که شاید«اعلم»میان بیت ما نحن فیه با ابیات مشهور«ابن هرمة»:

و انی و ترکی ندی الا کرمین‏ و قدحی بکفی زنداشحاحا کتار کة بیضها بالعراء و ملبستة بیص اخری جناحا

بمناسبت تقارب بعض الفاظ خلط کرده باشد.و الله اعلم.

4-در عیون الاخبار ج 3 ص 2 و عقد الفرید ج 3 ص 3 این بیت و ثانی آن‏ بدون ذکر نام گوینده آمده است.

\*\*\*

تلک المکارم لا قعبان من لبن‏ شیبا بماء فعادا بعد ابو الا(ص 60)

این بیت جزو قصیدهء کوتاهی است در مدح(سیف بن ذی یزن حمیری)که‏ این قصیده را به(امیّة بن ابی الصلت ثقفی)شاعر مخضرم مشهور و بپدر او(ابی الصلت‏ عبد الله بن ابی ربیعه)و به جدّش(ابی ربیعه زمعة بن عوف)نسبت داده‏اند و اقوال در باره قائل اینقصیده مضطربست.از کسانی که این قصیده را بنام(ابی الصت)پدر(امیة) ثبت کرده‏اند(ابی الفرج)در(اغانی ج 3 ص 133)و(ابن عبد ربه)در(عقد ج 2 ص 23) و(ابن قتیبة)در(الشعراء ص 431)و(ابن هشام)در(سیره ج 1 ص 167)میباشند.

تمام قصیده در دیوان(امیة بن ابی الصلت ص 52)آمده است.

\*\*\*

ألست تری الریحان یشتم ناضرا و یطرح فی المیضاة اما تغیرا(ص 62)

از(ابو بکر خوارزمی)شاعر و ناثر مشهور دوره سامانی و بویهسیت که ثانی بیت‏ دیگری بدین شرحست.

علیک باظهار التجلد للعدی‏ و لا یظهرن منک الذبول فتحقرا الست تری الریحان یشتم ناضرا و یطرح فی المیضاة اما تغیرا

(یتیمة ج 4 ص 153 ر خاص الخاص 152 ر التمثیل 125 ر ایجاز و اعجاز 93 وافی بالوفیات 195 ر 3)در بعضی مراجع فوق(فی المیضا اذاما)و در بعض دیگر بصورت اصح(فی المیضاة اما)ضبط شده است.

\*\*\*

اذا کنت لاترجی لدفع ملمّة و لم یک للمعروف عندک مطمع‏ و لا انت ممن پستعان بجاهه‏ و لا انت یوم الحشر ممن یشفع‏ فعیشک فی الدنیا و موتک واحد و عود خلال من وصالک انفع

بتصریح«بحتری»در حماسه ص 213 ردیف 1124 این ابیات از(صالح) بن عبد القدس)شاعر و حکیم متهم بزندقه عصر عباسیست ولی در حماسه مصرع اخیر بیت ثانی بصورت(و لا انت یوم البعث للناس تشفع)ضبط شده است.

در(محاضرات راغب 150 ر 1)و(محاسن و مساوی بیهقی 135 ر 1)و(سر العالمین‏ منحول بنام غزالی 41)این بیان بدون ذکر نام قائل آمده است.

\*\*\*

فلا انا عما استودعونی بذاهل‏ و لا انا عسمّا کاتمونی بفاحص(ص 65)

از(طغرائی)است در قصیده شکوائیه بمطلع:

و حان علی الشحناء عوج ضلوعه‏ یسدد نحوی شاردات المشاقص(ص 61)

\*\*\*

غزال له مرعی من القلب مخصب‏ و ظل صفیق الجانبین ظلیل‏ فکالشمس تغشی الناظرین بنورها و لیس الیها للا کف سبیل(ص 67)

ایضا از«طغرائی»است از قصیدهء سابق الذکر او که در دیوان بیت دوم از ابیات ما نحن فیه نیامده است اما در(معجم الادباء ج 10 ص 70-71)بیت دوم نیز جزو همین قصیده ثبت شده است.